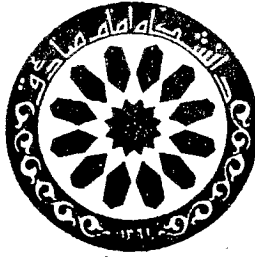


کتابخانه دانشگاه امام صادق

شماره ثبت ۳۳۲  
شماره ۴



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

عنوان

نظارت بر قدرت سیاسی در اسلام (شیعه)

۱۷۷۸۸

کتابخانه امام صادق  
کتابخانه

۱۳۷۷ / ۱۲ / ۱۵

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما : جناب آقای حجه الاسلام دکتر محسن کدیور

اساتید مشاور:

جناب آقای حجه الاسلام سیدعباس نبوی



کد: ۶۷

نگارش از: توحید محرمی

تاریخ: ۷۵/۱۲/۱

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی مسؤول عقایدی که

نویسنده در این پایان نامه اظهار نموده است، نمی باشد.

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به دانشگاه امام صادق علیه السلام

می باشد. و هر نوع استفاده از کل یا بخشی از آن مانند واگذاری به دیگر

مؤسسات، چاپ و مانند آن منوط به اجازه کتبی از دانشگاه می باشد.



«این رساله را تقدیم می‌کنم به ارواح پاک تمامی شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی  
بویژه شهیدان، منصور محرمی و بهزاد محمدی (رحمة الله علیهم اجمعین)»

«... نظارت درونی و احساس حضور در محضر حق، مانع از تخلف انسانها می‌شود، اما این  
عامل در همه انسانها به قدر کافی وجود ندارد. بنابراین نظارت بیرونی از اهم مسائل تمامی  
جوامع بشری است.»

از سخنان رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای  
در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۷۵

فهرست:

مقدمه

بخش اول: کلیات

فصل یک: مفردات بحث:

- قدرت سیاسی

۱- تعریف قدرت

۲- ویژگیهای قدرت

۳- منابع قدرت

۴- انواع قدرت

۵- شیوه‌های اعمال قدرت

- اندیشه سیاسی به چند معناست؟

- تشیع

- منظور ما از نظارت چیست؟

- یادداشت و منابع

فصل دو: سیری در مسئله نظارت بر قدرت سیاسی در اندیشه غرب

- یونان باستان

- زمینه‌های فکری اندیشه سیاسی غرب

۱- حقوق طبیعی

۲- تفکیک میان حوزه‌های سیاسی و مذهبی

۳- قرارداد اجتماعی

الف- نظریه هابز

ب- نظریه لاک

ج- نظریه روسو

۴- تفکیک قوا

- یادداشت و منابع

۴۳

فصل سه: سیری در مسئله نظارت بر قدرت سیاسی در اندیشه اهل سنت

- اصطلاح خلافت و دولت

دسته اول: مدافعین خلافت سنتی:

۱- ماوردی

۲- غزالی

۳- ابن جماعه

دسته دوم: تجدیدنظر طلبان در خلافت رایج

۱- شیخ محمد عبده

۲- محمد رشید رضا

۳- عبدالرحمن کواکبی

۴- علی عبدالرزاق

۵- ابوالاعلی مودودی

- یادداشت و منابع

۷۲

فصل چهارم: سیری در اندیشه سیاسی شیعه

- هدف از کسب قدرت

- دستوراتی برای پیشگیری از طغیان قدرت

۱- حکومت بمتابۀ امانت

۲- تأکید بر رعایت انصاف و عدالت

۳- امر به ساده زیستی و زهد

۴- توصیه به انتقاد و انتقادپذیری

۵- تساوی افراد در مقابل قانون

- اندیشه سیاسی شیعه در سده های اخیر

- یادداشت و منابع

بخش دوم: نظریه لزوم و کفایت نظارت درونی

فصل پنج: نظریه های دولت قائل به لزوم و کفایت نظارت درونی (نظریه های مبتنی

بر مشروعیت الهی بلاواسطه)

۱- حکومت مشروعه

۲- ولایت انتصابی عامه فقیهان

۳- ولایت انتصابی مطلقه فقیهان

- یادداشت و منابع

فصل شش: انواع نظارت درونی

- عدالت، تقوی و وجدان اخلاقی

۱- معنای لغوی و اصطلاحی عدالت

۲- عدالت در آیات و روایات

۳- وجدان اخلاقی

- فقهت و اجتهاد -

- اشاره ای به مسئله تأییدات غیبی

- یادداشت و منابع

فصل هفت: أدله لزوم نظارت درونی

- یادداشت و منابع

فصل هشت: أدله عدم کفایت نظارت درونی

- استبداد افراطی ترین نوع حکومت نظارت نشده

- مفساد قدرت مهار و نظارت نشده

۱- استبداد ناشی از پیروی شیطان است

۲- رواج نفاق، تملق و چاپلوسی

۳- اعطای ارج و منزلت دروغین

۴- رواج روحیه تقدیرگرایی افراطی در میان مردم

۵- اسطوره‌زدگی

۶- عدم توجه به حاکمیت و برتری قانون

۷- سلب آزادیهای مردم

۸- رواج بی‌اعتمادی و سوءظن

۹- مسدودبودن باب انتقاد

۱۰- نفوذ فرصت‌طلبان و ناهلان

- یک اشکال:

آیا قدرت ذاتاً فسادآور است؟

- یادداشت و منابع

۱۴۴

بخش سوم: نظریه لزوم نظارت درونی و بیرونی

فصل نه: نظریه‌های دولت قائل به لزوم نظارت درونی و بیرونی (نظریه‌های مبتنی بر

مشروعیت الهی مردمی)

- نظریه مشروطه (از دیدگاه آیه‌الله نائینی)

- نظریه خلافت مردم با نظارت مرجعیت

- نظریه ولایت انتخابی مقیده فقیه

- نظریه حکومت انتخابی مبتنی بر قوانین اسلامی

- نظریه وکالت مالکان شخصی مشاع

- یادداشت و منابع

۱۷۵

فصل ده: انواع نظارت بیرونی

گفتار اول: نظارت‌های سنتی:

۱- فریضه امر بمعروف و نهی از منکر

الف- امر بمعروف و نهی از منکر در آیات قرآن کریم

ب- امر بمعروف و نهی از منکر در روایات

۲- نصیحت و انتقاد خیرخواهانه



- تعریف مفهوم نصیحت

- نصیحت در آیات و روایات

- انتقاد از دولتمردان

- شرایط لازم برای انتقاد

۳- شورا و مشورت در مسائل حکومتی

- مشورت در آیات قرآن کریم

- مشورت در روایات

### - یک اشکال

- نتایج مشورت

۴- نظارت مراجع و علماء دینی

۵- بحثی پیرامون مسئله بیعت

- معنای لغوی و اصطلاحی

- بیعت در آیات و روایات

- دیدگاه اول

- دیدگاه دوم

- آثار شرعی بیعت مردم با امام

- یادداشت و منابع

گفتار دوم: نظارت‌های نهادینه شده

۱- نظارت نمایندگان مردم (خبرگان)

- شرایط خبرگان

- چرا باید به خبرگان رجوع کرد؟

### - یک اشکال

- وظایف و اختیارات خبرگان

- اصلی که تصویب نشد؟!

۲- توقیت زمامداری (تعیین محدوده زمانی)

- نظریه مخالفین

- نظریه موافقین

۳- نظارت رسانه‌های جمعی

- افکار عمومی و لزوم توجه به آن

- توجه به افکار عمومی در اسلام

- حقوق متقابل مردم و حکومت

- مسئولیت حاکم اسلامی

- نکاتی دیگر درباره نقش مؤثر رسانه‌ها

۴- نظارت رقاب‌سیاسی (مشارکت فعال مردم)

- چگونگی مشارکت در جوامع کنونی

- آراء مختلف در باره رقابت سیاسی در نظام ولایت فقیه

- یادداشت و منابع

۲۴۸

فصل یازده: أدله لزوم نظارت بیرونی

- یادداشت و منابع

فصل دوازده: نکاتی پیرامون عدم کفایت نظارتهای بیرونی و لزوم نظارت

۲۵۴

درونی

- یادداشت و منابع

فصل سیزده: میزان نظارت‌پذیری قدرت سیاسی نظریه‌های مختلف دولت

۲۵۹

- یادداشت و منابع

- نتیجه:

۲۶۷

- منابع:

## چکیده:

در این رساله تحقیقی موارد ذیل مفروض گرفته شده است:

- ۱- قدرت رها و نظارت نشده موجبات فساد حاکم و جامعه را فراهم می‌کند
  - ۲- نظارت درونی (عدالت، تقوی اخلاق و وجدان) لازم است و فرضیه آن اینستکه:
    - ۱- نظارت درونی حاکم لازم است
    - ۲- نظارت درونی حاکم کافی نیست
    - ۳- نظارت بیرونی بر حکومت لازم است
    - ۴- نظارت بیرونی بر حکومت باید نهادینه شود
    - ۵- نظارت بیرونی امری عقلایی است و در زمانها و شرایط مختلف متفاوت است
    - ۶- در نظریه‌های دولت مبتنی بر مشروعیت الهی بلاواسطه نظارت درونی (شرط عدالت و فقاہت) حاکم لازم و کافی دانسته شده است و نظارت بیرونی تجویز نشده است. اما در نظریه‌های دولت مبتنی بر مشروعیت الهی مردمی علاوه بر لزوم نظارت درونی، نظارت بیرونی نهادینه شده شرط لازم سلامت قدرت سیاسی دانسته شده است.
- تعریف قدرت، نظارت، ... بررسی مسئله نظارت در اندیشه غرب و اهل سنت، سیری در اندیشه سیاسی شیعه، نظریه‌های دولت در فقه شیعه که قائل به لزوم و کفایت نظارت درونی می‌باشند، انواع نظارت درونی، أدله لزوم نظارت درونی، أدله عدم کفایت نظارت درونی نظریه‌های دولت قائل به لزوم نظارت درونی و بیرونی، انواع نظارت بیرونی سنتی و نهادینه شده، أدله لزوم نظارت بیرونی، نکاتی پیرامون عدم کفایت نظارتهای بیرونی و لزوم نظارت درونی و بررسی میزان نظارت پذیری قدرت سیاسی نظریه‌های مختلف دولت مباحث این رساله را تشکیل می‌دهند.
- در نتیجه تصریح شده است روحیه حاکم بر حقوق اساسی هر نظام سیاسی و اندیشه سیاسی حاکمان در جای جای نظام و شعبات آن همچون قوانین و مقررات عادی، ساختار اجرایی و حتی اخلاق و رفتار مردم تأثیر گذاشته و تبعات آن در دورترین نقاط کشور و جامعه مشهود خواهد بود...

## بخش اول: کلیات

### فصل یک: مفردات بحث

### فصل دو: سیری در مسئله نظارت بر قدرت سیاسی در اندیشه غرب

### فصل سه: سیری در مسئله نظارت بر قدرت سیاسی در اندیشه اهل سنت

### فصل چهار: سیری در اندیشه سیاسی شیعه

## مقدمه:

انسان خردمند برای رفع نیازهای خود تشریک مساعی را برگزید و جامعه انسانی را بوجود آورد و برای حفظ و سلامت آن از خطرهای بیرونی و آفات درونی دولت را تأسیس کرد، قدرت بوجود آمده را بدست افراد معدودی بعنوان «هیأت حاکمه» سپرد و آنها قدرت را برای ادامه حیات جمعی بکار گرفتند. ذهن انسان همیشه درگیر شناخت ابعاد و زوایای مختلف قدرت سیاسی بوده است عده‌ای در پی یافتن پاسخ به این سؤال بوده‌اند که چه کسی باید حکومت کند؟ و قدرت حاکمیت بر جامعه در اختیار چگونه شخصی باید باشد؟ و گروهی هم با یادآوری تجربه‌های بشری در صدد بوده‌اند در کنار پاسخ به سؤال یادشده به پرسش چگونه باید حکومت کرد؟ پاسخ گویند. به عبارت دیگر اگر روزی میان افراد یک جامعه توافق و وحدت نظری در انتخاب یک حاکم با ویژگیهای مشخصی صورت پذیرد همچنان محتاج پاسخگویی به سؤال اخیر هستیم. و می‌بایست سیستم و ساختاری مطلوب برای حکومت کردن که کارایی و سلامت نیز داشته باشد ارائه گردد.

در طول تاریخ کمتر دیده شده که جامعه در اختیار حاکمان صالح قرار گرفته باشد و جامعه را بر طبق عقل و درایت و رعایت صلاح و مصلحت عمومی اداره کرده باشند حتی آنهاییکه با انگیزه‌های پاک انسانی و اخلاقی وارد عرصه سیاست و کسب قدرت سیاسی شدند در بسیاری از موارد رخت پرهیزگاری را از تن بیرون آوردند و برای حفظ و توسعه قدرت خویش به انواع امور نامشروع و غیر صحیح متوسل شدند.

انسانها بدست خود چیزی ساختند بنام «دولت» یا «جامعه سیاسی» اما این خود هیولایی شد که روح آن قدرت سیاسی بود. و بر اجتماع انسانها سایه افکنده و بعنوان شر ضروری پذیرفته شد. بطوریکه دانشمندان آنرا همچون پدیده‌ای مورد بررسی قرار می‌دهند و سعی دارند با شناخت بیشتر آن از زیانهایش کاسته و به خیریت آن بیفزایند. در همین راستا متفکرین مسائل سیاسی با ارائه نظامها و ساختارهای سیاسی در بهبود افزایش ضریب فایده‌رسانی حکومت تلاش کرده‌اند. اصل نظارت‌پذیر بودن قدرت سیاسی در طراحی ساختار حکومت از جمله ویژگیهای مهمی است که در نظر گرفته می‌شود و در واقع با بیان اشکال مختلف حکومتی بر این اساس مطرح شده است. یکی از دلایل طرفداران دموکراسی نیز همین است که می‌گویند: حکومت کردن حق مردم است و باید کسانی که قدرت

را در جامعه کسب می‌کنند با توجه به مصالح عامه و تأمین نیازهای افراد اجتماع به اعمال حاکمیت پردازند آنها با این نظر می‌خواهند محدوده قدرت زمامداران را تعیین کنند و یادآور می‌شوند که اگر خطایی از سوی قدرتمندان صورت گیرد و به زیان جامعه تمام شود باید پاسخگو باشند و این مهم متحقق نمی‌شود مگر به تعبیه شیوه‌ها و ابزارهای نظارتی در نظام سیاسی و ساختار دولت.

اساسی‌ترین اقدام برای پیشرفت در روش حکومتی بنیان نهادن مبانی نظری نظام است که به تبع آن کاربردی کردن نظریات ارائه شده لازم می‌باشد و از جمله مفاهیم مهم علوم سیاسی «قدرت» است. بطوریکه برخی از اندیشمندان علم سیاست آنرا علم قدرت و یا دولت دانسته و کلید درک نهادها و پدیده‌های سیاسی را شناسایی قدرت و چگونگی نظارت بر آن در قالب سیاست بر شمرده‌اند.

ما در این رساله با سیری در اندیشه سیاسی غرب و اهل سنت و شیعه به طرح نظریه‌های دولت که از سوی علماء شیعه بیان شده می‌پردازیم بویژه به توصیه‌هایی نظارتی که می‌توان در هر یک از نظریه‌ها پیدا کرد توجه نموده‌ایم و در خصوص نظارت درونی به شرح نظریه‌های دولت مبتنی بر مشروعیت بلاواسطه الهی حکومت خواهیم پرداخت قائلین به مشروعیت بلاواسطه الهی برای حاکم که در حکومت اسلامی بعنوان ولی فقیه قدرت سیاسی در اختیار اوست، صرفاً به ویژگیهای فردی همچون عدالت، تقوا و وجدان اخلاقی اشاره کرده‌اند شرح میدهیم اما گروه دوم که مشروعیت الهی مردمی را بر منشاء حاکمیت در حکومت اسلامی لحاظ می‌کنند. به نظارت‌های بیرونی از قبیل نظارت قانونی خبرگان، لزوم توجه به افکار عمومی، تقید به پیمان و بیعت، ادواری بودن رهبری، ... توجه نموده‌اند و در نظر گرفتن اینگونه مسائل رابرای پیشگیری از فساد قدرتمندان در جامعه لازم و ضروری می‌شمرند و این امر علاوه بر نظارت درونی و شرایط و ویژگیهای فردی حاکم است که دسته اول فقهاء شیعه بدان معتقدند

### از مفروضات رساله حاضر می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- ۱- قدرت رها و نظارت نشده موجبات فساد حاکم و جامعه را فراهم می‌کند.
  - ۲- نظارت درونی (عدالت، تقوی اخلاق و وجدان) لازم است.
- با طرح این مفروضات در پی یافتن پاسخ به این سؤال اصلی هستیم که آیا در اسلام (مذهب شیعه) نظارت بر قدرت سیاسی برسمیت شناخته شده است، یا نه؟ و اگر چنین است شیوه‌های اعمال آن

کدامند؟

بحثهای بسیاری در زمینه حکومت اسلامی و ابعاد آن از نظر شیعه شده است که با توجه به تأسیس جمهوری اسلامی ایران در سال ۵۷، بیشتر آنها در دو مقطع تدوین قانون اساسی اول و در شورای باز نگری قانون اساسی در سال ۶۸ نمود پیدا کرده است.

قبل از انقلاب اسلامی، تاریخ، حکومت‌هایی همچون حکومت آل بویه، سربداران، حکومت فاطمیان، صفویه و قاجاریه را بنام شیعه شاهد بوده است. ولی پرسشی که در این میان مطرح می‌شود اینست که معیار تشخیص حکومت دینی، شیعه مذهب کدام است؟ آنکه خود را شیعه بداند یا اینکه ما آنها را شیعه بدانیم جای بحث دارد که در حوصله این رساله نمی‌باشد.

بهرحال مسئله نظارت بر قدرت سیاسی، به منظور جلوگیری از طغیان قدرتمندان، و اینکه چه سیستمی برای دولت باید طراحی کرد که نظارت‌پذیر باشد تا درصد احتمال خطا و فساد در حاکم و کارگزاران به حداقل برسد از جمله موضوعات نگران‌کننده‌ایی است که در اذهان آگاه و افراد دلسوز جامعه اسلامی وجود دارد. ما بر آن شدیم تا به کمک پندهایی از تاریخ به بیان ضرورت آن پردازیم و شیوه‌های نهادینه شده رایج و طرح شده در منابع اسلامی را بیان داشته و نظرات فقهاء و علمای دینی را در این خصوص تا حد مقدمات ارائه کنیم. ضمناً لازم بذکر است که محور بحث ما حکومت در عصر غیبت معصوم (ع) بوده و شیوه حکومت معصومان (ع) از حوزه بحث ما بیرون است.

### بنابراین فرضیه ما در رساله حاضر بشرح ذیل است:

- ۱- نظارت درونی حاکم لازم است.
- ۲- نظارت درونی حاکم کافی نیست.
- ۳- نظارت بیرونی بر حکومت لازم است.
- ۴- نظارت بیرونی بر حکومت باید نهادینه شود.
- ۵- نظارت بیرونی امری عقلایی است و در زمانها و شرایط مختلف متفاوت است.
- ۶- در نظریه‌های دولت مبتنی بر مشروعیت الهی بلاواسطه نظارت درونی (شرط عدالت و فقاہت) حاکم لازم و کافی دانسته شده است و نظارت بیرونی تجویز نشده است. اما در نظریه‌های دولت مبتنی

بر مشروعیت الهی مردمی علاوه بر لزوم نظارت درونی، نظارت بیرونی نهادینه شده شرط لازم سلامت قدرت سیاسی دانسته شده است.

در اینجا لازم است قبل از شروع بحث از زحمات و راهنماییهای خالصانه و مجدانه جناب حجة الاسلام دکتر محسن کدیور که اینجانب را در تهیه و تدوین این رساله تحقیقی یاری کردند کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

والسلام  
توحید محرمی



## فصل یک: مفردات بحث

**قدرت سیاسی:** مفیدترین اقدام برای پیشرفت در علوم سیاسی و تربیت مدنی و سیاسی مردم روشن کردن و توضیح و تفسیر مفاهیم فلسفه سیاسی مثل قدرت، قدرت سیاسی، حاکمیت، دولت و... است. در این میان «قدرت» محور، بحث سیاسی و مطالعه آراء مختلف سیاسی است این مفهوم کلید درک نهادهای سیاسی، جنبش‌های سیاسی و خود سیاست است. چنانکه در تعریف علم سیاست گروهی آنرا «علم دولت» می‌دانند و گروه دیگر آنرا «علم قدرت» می‌شناسند.

### ۱- تعریف «قدرت»

اندیشمندان بسیاری در تاریخ سعی در توضیح و تفسیر این مفهوم داشته‌اند و هر کدام بگونه‌ای از زاویه دید خود آنرا شرح داده‌اند. ما در این بخش به قسمتی از تعاریف ارائه شده در این مورد پردازیم: «بطور کلی قدرت توانمندی برای عملی ساختن و یا نابود کردن است ... افراد وقتی قدرت خود را در رابطه با دیگران اعمال کردند، مفهوم واقعی سیاسی به این مفهوم می‌دهند»<sup>۱</sup> راسل (Rassel) قدرت را امکانات و توانمندی دانسته و می‌نویسد:

«قدرت را می‌توان به عنوان تولید تأثیرات مورد نظر تعریف کرد و به این ترتیب مفهومی است کمی»<sup>۲</sup> گروهی از محققان، قدرت را آن توانمندی می‌دانند که فرد در ارتباطش با دیگر افراد یا نهاد یا دیگر نهادها به خدمت می‌گیرد. گروه دیگر قدرت را رابطه‌ای دانسته‌اند که در آن افراد می‌کوشند افراد دیگر و نهادها را در جهت خواست خود به کاری وا دارند. از اینرو برخی صاحب‌نظران به ارائه تعریف برای قدرت ایراد گرفته می‌گویند:

هرچند که قدرت یکی از مفاهیم کلیدی در سنت عظیم اندیشه‌های سیاسی در غرب است و در عین حال با وجود سابقه طولانی‌اش، توافقی قابل توجه در سطح تحلیلی هم درباره تعریف دقیق آن و هم در باره بسیاری از ویژگیهای زمینه عقلی که قدرت باید در چارچوب آن فهمیده شود وجود ندارد معهذالگه گوری که در معنای آن می‌توان یافت یا ظرفیت اشخاص با اجتماعات در به انجام رساندن کارها به طرز کار آمد مرتبط است، بویژه زمانی که در رسیدن به این اهداف نوعی مقاومت یا مخالفت انسانی ایجاد

اشکال کند.<sup>۳</sup>

و «با اینکه کوششهای بسیاری در دهه‌های اخیر برای تحلیل قدرت و ارائه معیارهایی برای اندازه‌گیری آن انجام گرفته اما هنوز درک ما از قدرت ناکافی است»<sup>۴</sup>

«از تمام مفاهیم مورد استفاده جامعه‌شناسان تعداد بسیار کمی به اندازه قدرت منشاء آشفستگی و سوء تفاهم هستند»<sup>۵</sup>

بهرحال صاحب‌نظران علم سیاست معتقدند، موضوع قدرت سیاسی یکی از مشکلترین و بحث‌انگیزترین مسائل علم سیاست است.<sup>۶</sup> آنچه که در تعاریف یاد شده مشترک است توانایی بر انجام یا بفعالیّت رساندن اراده است و آنکس قدرتمند می‌باشد که بتواند مقصود خود را عملی ساخته و اراده خود را تحقق ببخشد.

در بسیاری از تعریفهای ارائه شده از قدرت می‌توان دید که تعریف‌کنندگان از شناسایی خود قدرت طفره رفته و بیشتر به متعلق قدرت و یا اثر آن پرداخته‌اند به عنوان مثال بنا به تعبیر آندره هوریو (André Horeu) و لوسین سفز (Lossian Sefes) قدرت همان نیروی اراده‌ای است که نزد مسئولان فرمانروایی بر یک گروه انسانی وجود دارد و زمامداران حکومت به برکت آن می‌توانند از رهگذر صلاحیت بر کلیه قدرتهای موجود در جامعه تحمیل شوند.<sup>۷</sup> بطوریکه مشاهده می‌شود در این تعبیر نیز فقط به اثر قدرت توجه شده است و از اصل تعریف مفهوم چیزی ارائه نشده است.

در قلمرو علوم سیاسی عموماً واژه‌های گنگ و دوپهلوی قابل تعبیر و تفسیر فراوانند لکن ندرتاً اصطلاح یا لغتی را می‌توان یافت که به اندازه واژه «قدرت» ابهام‌انگیز باشد هنگامیکه «قدرت» با کلمه سیاست ترکیب شود حالتی خاص از روابط دوجانبه توأم با یک وحشت و عقوبت و نخوت، عجز و منزلت و یا ستایش و حرمت امتیاز و لذت از قبیل احساسات خوب و بد را «بسته به آنکه چه کسی یا گروهی صاحب قدرت باشد و چه کسی مظلوم قدرت»<sup>۸</sup> تداعی می‌کند. بنظر می‌رسد منشأ ابهام در این باشد که اعمال‌کننده و مظلوم می‌تواند اشخاص مختلفی باشند و شناسایی ایندو و از تعریف قدرت جدا هستند.

در هر حال ما در این رساله قدرت سیاسی را معادل هیأت حاکمه می‌گیریم که تمامی قدرتمندان را در هرم قدرت شامل می‌شود و هرکس با داشتن قدرتی از سوی نظام سیاسی توانائی اعمال اراده خود را در

جامعه داشته باشد حکمران محسوب می شود و زمامداران پائین دست نیز همگی در این حوزه قرار می گیرند. در واقع دارندگان قدرت هیأتی تشکیل می دهند که دارای اراده اند و تملک حاکمیت از اهداف آنهاست.

## ۲- ویژگیهای قدرت: ۹

الف- قدرت مبتنی بر روابط میان انسانهاست بگفته لاسول (Lasswell) قدرت رابطه ای میان فرد یا رابطه ای میان افراد است. دارندگان قدرت، قدرتمند محسوب می شوند و دارای اختیار و آزادی در مقابل کسانی هستند که باید به قدرتمندان واکنش مناسب نشان دهند. بنابراین قدرت یک فرد یا دولت وقتی عینیت می یابد که به روابط مستقر با دیگر افراد یا دولتها تأثیر گذارد.

ب- قدرت نسبی و وابسته به موقعیت است. قدرت مطلق نیست بلکه نسبی است، و اگر کسی دارای قدرت است، باید یکی دیگر هم آماده باشد که آنرا قبول کند و بکار ببرد. رابطه قدرت با گذشت زمان دگرگون می شود.

افزون بر ویژگیهای بالا تحلیل نظریات رابرت دال و کارل دوئیچ چند ویژگی را آشکار می کند.<sup>۱۰</sup>  
ج- قدرت، توانایی نفوذ بر دیگران بوده که توانایی نفوذگذاری بر دیگران ویژگی عمده قدرت است و نیروهای اجتماعی و سیاسی وقتی دارای قدرت هستند که بتوانند بنا به خواست خود تغییری در رفتار دیگر نیروهای اجتماعی سیاسی بوجود آورند.

د- قدرت و ضمانت اجراء؛ قدرت باید دارای ضمانت اجرایی باشد قدرت تهی از ضمانت اجرا یا اجبار را نمی توان قدرت نامید. به گفته دال هرکه مجازاتی بر مردم مقرر می کند، در هر جامعه ای مهم دانسته می شود در واقع، حکومت از دیگر نیروهای سیاسی فقط آنجا مشخص می شود که با کامیابی دارای حق انحصاری تعیین شرایطی است که تحت آن انواع معینی از مجازاتهای شدید را علیه کسانی بطور قانونی و مشروع به کار می برد. قدرت سیاسی یک رابطه و توانایی تأثیر بر رفتار دیگران از راه تهدید به اجرای شکلی از مجازات است و مجازات هر اندازه بیشتر و متعددتر باشد قدرت سیاسی به همان نسبت بزرگتر و بیشتر خواهد بود.

ذ- هدفداری قدرت؛ قدرت برای دست یافتن به هدفها و مقاصد اعمال می شود در غیر اینصورت

بی اثر خواهد بود. کارل دویچ در اینباره می‌گوید اراده بدون قدرت بی‌تأثیر است اما قدرت بدون خواست و اراده به طور اتفاقی و بندرت مؤثر است. قدرت تنها توالی اتفاقی تأثیر محیط بر اجتماعی سیاسی تلقی خواهد شد مگر اینکه به طور نسبی هدفها و مقاصد مشخصی برای آن وجود داشته باشد.<sup>۱۱</sup> در بررسی ویژگیهای قدرت، جک ناگل (Jack H. Nagel) به حوزه، حدود یا قلمرو قدرت، مبنای قدرت، توانایی قدرت، میزان و جهت قدرت، ابزار قدرت و هزینه اعمال قدرت نیز توجه می‌کند،<sup>۱۲</sup> که از حوصله این رساله و بحث خارج است.

**۳- منابع قدرت: (Reservoirs of power):**<sup>۱۳</sup> صاحب‌نظران منابع قدرت فردی و اجتماعی را بشرح ذیل بیان داشته‌اند.

الف- دانش (Knowledge): دانش به رشد ذهن و جان یاری می‌کند. رهبری از این رشد بر می‌آید. در جامعه آگاه هیچ رهبری نمی‌تواند به قدرت دست یابد یا آنرا اعمال کند، مگر آنکه مجهز به دانشی درست و مناسب باشد.

ب- سازمان (organization): سازمان فی‌نفسه قدرت است، مثلاً در نظام ساسی دموکراتیک این احزابند که برای بدست آوردن قدرت سازمان می‌یابند.

ج- موقعیتها (situations): موقعیتها سرچشمه قدرت است. موقعیت اقتصادی به دارنده آن کمک می‌کند تا بر مخالفان خود غلبه کنند. موقعیت اجتماعی نیز به کسب قدرت و نفوذ بر دیگران کمک می‌کند. موقعیت دینی منبع قدرت و نفوذ است. رهبران دینی جامعه‌های گوناگون همیشه با نفوذ بوده‌اند.

د- اقتدار. اقتدار به معنای قدرت مشروع است. دست یافتن به مقامی سیاسی یا حقوقی طبق قانون و بطور مشروع، قدرت فرد را افزایش می‌دهد و او را تأثیرگذارتر می‌گرداند. شخصی که وزیر می‌شود، خود به خود اهمیت می‌یابد.

ذ- مهارت. مهارت قدرت فرد را می‌افزاید. کسی که دارای مهارت و تخصص در زمینه‌ای است در مبارزه قدرت بر دیگرانی که مهارت و تخصص ندارند، چیره می‌شود.

ر- ایمان. در نگهداشت اقتدار یا اعمال قدرت، زور خالص به کار نمی‌آید. حکومت یا رهبر برای